

تعاون و کشاورزی، سال ششم، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۹۶

بررسی نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت کشاورزان در تعاونی‌های تولیدی کشاورزی چهاردانگه ساری

علی گرجی کرسامی^{۱*}، علی بابایی کارنامی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۱۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت کشاورزان در تعاونی‌های تولیدی کشاورزی انجام گرفت. روش گردآوری داده‌ها پیمایش بود. جامعه آماری را ۷۰۰۰ نفر از کشاورزان منطقه چهاردانگه ساری تشکیل دادند که براساس جدول نمونه‌گیری استاندارد کرجسی و مورگان، ۳۶۴ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای دسترسی به نمونه در این تحقیق، از روش نمونه‌گیری سیستماتیک استفاده شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه بود که روایی آن با کسب نظر کارشناسان و پایایی آن از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای پرسش‌نامه سرمایه اجتماعی برابر با ۰/۸۴ و برای پرسش‌نامه مشارکت اجتماعی معادل ۰/۸۱ به دست آمد و تأیید شد. به منظور آزمون فرضیات تحقیق از آزمون‌های پی‌رسون و رگرسیون چندمتغیره استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد که بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، روابط اجتماعی) و مشارکت کشاورزان در تعاونی‌های تولیدی رابطه معنادار وجود دارد؛ یعنی کسانی که در تعاونی‌های کشاورزی مشارکت داشتند بیشتر از کشاورزانی که مشارکت نداشتند دارای سرمایه اجتماعی بودند. همچنین براساس نتایج رگرسیون چندمتغیره، اعتماد اجتماعی دارای بیشترین تأثیر بر مشارکت کشاورزان بود.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، روابط اجتماعی و مشارکت

کشاورزان

۱. کارشناس مطالعات و پژوهش شهرداری ساری

E-mail: dali_gorji@yahoo.com

* نویسنده مسئول

۲. دانشجوی دکتری مدیریت مالی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بابل

مقدمه

یکی از مهم‌ترین عوامل رشد و توسعه اجتماعی - اقتصادی یک جامعه، به‌ویژه جوامع روستایی، نقش و حضور فعالانه مردم در کارها و فعالیت‌های مربوط به روستای خود است. بدون همیاری و مشارکت مردم توسعه مفهومی نخواهد داشت، چرا که هرگامی در راه رشد و توسعه باید با همراهی مردم انجام گیرد.

مشارکت به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری کردن است (بیرو، ۱۳۷۰: ۲۵۷). مشارکت اجتماعی بر فعالیت‌های داوطلبانه و ارادی دلالت می‌کند که از طریق آنها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت می‌کنند. تعدد و گسترش سازمان‌های محلی و غیردولتی در یک جامعه بیانگر وجود مشارکت اجتماعی در آن جامعه است (غفاری، ۱۳۸۵: ۲۸). مشارکت اجتماعی تحت تأثیر عوامل زیادی است که یکی از مهم‌ترین آنها، سرمایه اجتماعی یک جامعه است. در واقع، سرمایه اجتماعی منجر به مشارکت بالاتر افراد یک جامعه می‌شود (Bouse & Wellman, 2005: 5)

بدون شک مسیر پیشرفت و توسعه یک کشور نیازمند مشارکت آحاد مردم یک جامعه است (بزرگ نیا، ۱۳۸۹). در واقع، سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از توانمندی‌ها و ارزش‌ها در بین اعضای یک گروه است که باعث افزایش مشارکت و تسهیل روابط به گونه‌ای کم‌هزینه می‌شود و کاهش این سرمایه‌ها باعث پایین آمدن مشارکت اجتماعی می‌شود (Putnam, 1995: 65). فقدان مشارکت افراد یک جامعه، فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی آن کشور را با مخاطرات گوناگونی مواجه ساخته و حتی ممکن است حرکات و برنامه‌های بخش‌های مختلف اقتصاد را به ورطه تضاد و مقابله سوق می‌دهد (شجاعی، ۱۳۸۰: ۱۷).

کمتر برنامه ریزی ملی و بین‌المللی وجود دارد که یکی از بخش‌های مهم آن مشارکت و انگیزش اجتماعی مردم نباشد؛ به عبارتی، مشارکت از شروط لازم تحقق توسعه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌باشد که به نقش فعال و خلاق و اثر بخش مردم در روند توسعه توجه می‌کند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۵۴).

مشارکت اجتماعی از بی تفاوتی، تکروی و نبود حس تعاون و تحرک و تمایل به تأمین منابع محدود شخصی در میان اعضای جامعه جلوگیری می کند و نابرابری ها را تقلیل می دهد و در نتیجه، نیروی همبستگی و وحدت ملی را تقویت می کند. از سویی، احساس جدایی بین فرد و جامعه را تقلیل می دهد و حس تعاون، همبستگی، همکاری بین مردم و حکومت را مستحکم تر می کند. مشارکت یکی از شیوه های تأمین اصول احترام به شخصیت اجتماعی و حقوقی فرد است؛ زیرا فرد با امید به اینکه به خواسته ها و نیازهای فردی و اجتماعی خود می رسد، در زندگی اجتماعی شرکت می کند (Axelrod, 1950: 14).

بدین ترتیب، اگر مردم در تصمیم گیری ها و اجرای تصمیمات مشارکت داشته باشند، توسعه اجتماعی تسهیل خواهد شد. بسیج شهروندان به این شیوه، تقویت کننده پیوستگی اجتماعی است. در قالب رویکردهای نوین به توسعه، مشارکت خودجوش، فعال و سازمان یافته ساز و کاری مؤثر برای توسعه جامعه است به تعبیری، راهبرد نهفته در پشت مشارکت مردمی، آزاد کردن انرژی مردم با هدف جلب اطمینان آنها برای تصمیم گیری و اجرای آن به طریق خودجوش است که منجر به تحقق سازمان های محلی، شناخت بهتر محیط اجتماعی، خودتکایی، تقویت هویت ملی، رشد ابتکارات توسعه ای، تقویت مدیریت وظایف جمعی و تحکیم تجانس و وفاق اجتماعی و حل تضادها و تنش های قومی، طایفه ای و محلی می گردد و می توان آن را در قالب توسعه مشارکتی متضمن فرایند جمعی خودبهبودی، نظارت بهتر و مؤثر بر زندگی اجتماعی، کسب آگاهی، درک عمل توسعه نیافتگی و کسب موقعیت و فرصت بهتر برای بسیج منابع در دسترس در نظر گرفت (غفاری، ۱۳۸۵: ۱۱۵).

یکی از راه های جلب مشارکت افراد در جامعه، سازمان های غیردولتی (NGO) می باشند. سازمان های غیردولتی پدیده ای جدید در حیات اجتماعی جوامع محسوب می شوند که رشد شتابان آنها از نیمه دوم قرن بیستم و در پی مسائل ناشی از جهانی شدن آغاز شده است. این سازمان ها به دنبال بسیج نیروهای مردمی و داوطلب برای بهبود وضعیت جامعه، رفع کاستی ها و ظهور دیدگاه ها و دستیابی به توسعه پایدار هستند.

صاحب‌نظران معتقدند تعاونی‌های کشاورزی ظرفیت‌های ارزشمندی برای رونق بخشیدن به بخش کشاورزی دارند. این تعاونی‌ها فرصت مناسبی برای مشارکت کشاورزان، همکاری آنان در زمینه‌های مختلف، انتقال تجربیات و آموزش شیوه‌ها و رویکردهای علمی در امر کشاورزی و بازاریابی به وجود می‌آورند. در ایران نیز تعاونی‌های کشاورزی فرصت‌های مناسبی برای همکاری، آموزش و رونق اقتصادی بخش کشاورزی به وجود آورده‌اند، اما پژوهش‌ها دلالت بر این دارند که موانع موجود بر سر راه مشارکت فعال کشاورزان در تعاونی‌های کشاورزی شکست یا رکود تعاونی‌های کشاورزی را به همراه داشته است. چنین وضعیتی این پرسش را مطرح می‌سازد که چه مانعی بر سر راه مشارکت مؤثر اعضای تعاونی‌ها و ایفای نقش مؤثرتر بخش تعاون در اقتصاد کشور وجود دارد؟ به عبارتی، چرا بخش تعاون نتوانسته است کانال مناسبی برای هدایت ظرفیت‌های اجتماعی و مشارکت مردم در طرح توسعه اجتماعی- اقتصادی فراهم نماید؟ این پرسش وقتی برجسته می‌شود که به این واقعیت توجه شود که با وجود اهتمام دولت به توسعه بخش کشاورزی، تأکید بر رونق تعاونی‌های کشاورزی، وجود ظرفیت‌های بالقوه در کشاورزی و وجود زمینه‌های مناسب برای سرمایه‌گذاری در این بخش، عملاً مشارکت اعضای تعاونی‌های کشاورزی از سطح عضویت ساده و مشارکت انفعالی فراتر نمی‌رود، در حالی که به دلیل ماهیت مردمی تعاونی‌ها، توسعه تعاونی‌ها بدون مشارکت فعالانه اعضای آنها میسر نمی‌باشد.

حال با عنایت به مطالب پیش‌گفته، مسئله اصلی تحقیق این است که آیا سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن در مشارکت کشاورزان در تعاونی‌های تولیدی کشاورزی تأثیر دارد؟ و اینکه کدام یک از این مؤلفه‌ها بیشترین تأثیر را در مشارکت کشاورزان دارد؟

پیشینه تحقیق

انصاری (۱۳۸۱) در پژوهش بر روی تعاونی کشاورزی شباهنگ در شهریار - که با تکیه بر ترکیبی از روش‌های اسنادی و میدانی انجام شد- پس از مطالعه عمیق، به این نتیجه رسید که مشارکت فعال اعضا از مهم‌ترین عوامل موفقیت این تعاونی بوده است. وی متوجه شد عواملی مثل

توجه به نیازهای جامعه محلی کشاورزان، توانایی مدیران، پویایی سازمانی و منظم و مشخص بودن فعالیت ها در جلب مشارکت افراد مؤثر بوده‌اند.

ساریخانی و طه (۱۳۸۲) در بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تعاونی‌های روستایی استان کرمانشاه به این نتیجه رسیدند که مشارکت زنان در تعاونی‌ها بیشتر در زمینه‌های اقتصادی است. عواملی مثل سن، دریافت سود بیشتر، پایگاه اجتماعی، آگاهی و سرمایه گذاری افزون‌تر به مشارکت بیشتر زنان منجر می‌شود.

قانع‌راد (۱۳۸۴) در تحقیقی روی ارزش‌ها، شبکه روابط و مشارکت در سازمان‌های غیردولتی در بین جوانان ۳۰-۱۴ ساله مناطق مختلف تهران نشان داد هرچه ارزش‌های فرامادی در جوانان بیشتر باشد، سرمایه اجتماعی در آنان بیشتر و مشارکت آنان در سازمان‌های غیر دولتی بیشتر است.

غیاثوند غیائی (۱۳۹۰) در بررسی موانع توسعه اشتغال در تعاونی‌های تولیدی کشاورزی در ۶ منطقه کشور به این نتیجه رسید که ۷ عامل زیربنایی در عدم توسعه اشتغال در بخش تعاون عبارت‌اند از: مشکلات اطلاع‌رسانی، مشکلات مالی، ساختار نامناسب، ضعف بازاریابی و فروش، مسائل مدیریتی و محدودیت‌های قانونی.

رحمانی فیروزجاه و سهرابی (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که تعاونی‌های کشاورزی نقش مهمی در تشکیل و تقویت سرمایه اجتماعی در بین روستاییان استان مازندران دارند. باور به اصول و ارزش‌های تعاون موجب تقویت سرمایه اجتماعی و مشارکت بیشتر اعضا در امور تعاونی می‌شود.

طلایی (۱۳۹۱) در پژوهشی نتیجه گرفت تعاونی‌ها بستر مناسبی برای به اشتراک گذاشتن اطلاعات در بین کشاورزان به وجود می‌آورند و تعاونی‌هایی که به مشارکت در زمینه دانش و آموزش توجه دارند موفق‌ترند.

جان و همکاران (John et al., 2001) سه اصل سود و خدمات بهتر، آزادی عضویت و رعایت انصاف و عدالت را از اصول مهم و مؤثر در موفقیت تعاونی‌ها ارزیابی کردند. با توجه به

اینکه این سه عامل از عوامل مؤثر در افزایش مشارکت افراد به حساب می‌آیند، می‌توان از آنها در تبیین مشارکت در تعاونی‌های تولیدی نیز سود برد.

کارلو و همکارانش (Carlo et al., 2000) عواملی از قبیل روحیه فردگرایی، عدم همکاری اعضا، نبود مسئولیت در اعضا، ناآگاهی اعضا، غفلت از اصول تعاون و غیره را از عوامل اصلی رکود و مشارکت پایین در تعاونی‌ها ذکر کردند.

پرایس (Price, 2003) در تحقیقی با عنوان «سرمایه اجتماعی و عوامل تأثیرگذار بر مشارکت مدنی» با انجام مصاحبه‌های عمیق با ۳۲ نفر از رهبران انجمن‌های داوطلبانه در تگزاس نتیجه گرفت که علی‌رغم تأکید بر نقش فرهنگ و ارزش‌ها در چنین فعالیت‌هایی متغیرهای اقتصادی در متأثر ساختن درگیری و فعالیت افراد در این انجمن‌ها اهمیت بسیاری دارد.

بکر (Bekker, 2003) در مقاله خود با عنوان «عضویت در انجمن‌های داوطلبانه منابع اجتماعی و شخصیت یا هردو» با تحلیل ثانویه به بررسی سهم عوامل جامعه‌شناختی مانند تحصیلات، درآمد، وابستگی مذهبی و سرمایه اجتماعی و عوامل روان‌شناختی مانند نوع شخصیت در توضیح فعالیت در انجمن‌های داوطلبانه پرداخت و در پایان نتیجه گرفت که عوامل روان‌شناختی در صورتی قادر به تبیین این مسئله هستند که تأثیر عوامل جامعه‌شناختی در آنها مورد بررسی قرار گیرد.

اسکریمژور و همکاران (Scrimgeour et al., 2006) معتقدند که عوامل کلی و اساسی مؤثر بر موفقیت شرکت‌های تعاونی کشاورزی در مشارکت بیشتر اعضا عبارت‌اند از: عوامل دولتی، عوامل تجاری، عوامل فنی: عوامل ادراکی و عوامل اجتماعی. در میان عوامل اجتماعی متغیرهای اصلی هنجارها و انتظارات اجتماعی، تعاملات اجتماعی و ارزش‌های اجتماعی بر موفقیت و عملکرد شرکت‌های کشاورزی اثرگذار بودند.

کروز و هندفیلد (Krause & Handfield, 2006) در بررسی تعیین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اثرگذار بر عملکرد شرکت‌های آمریکایی، سرمایه‌شناختی (آگاهی اجتماعی)، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و افزایش تعاملات اجتماعی را بر بهبود عملکرد (بهبود درآمد، کیفیت فعالیت و ارائه محصول و پیچیدگی کار) شرکت‌ها اثربخش دانستند.

مطالعات تجربی با الهام گرفتن از اندیشه های تعاون و نظریه های مشارکت به صورت تجربی دریافتند که مشارکت در تعاونی ها به عوامل متعددی بستگی دارد. در این بین، نقش عوامل اجتماعی - فرهنگی انکارناپذیر است. عوامل اجتماعی، به ویژه مؤلفه های سرمایه اجتماعی و وجود ارزش های همیارانه، به مشارکت بیشتر و در نتیجه رونق تعاونی ها می انجامد. در کل، موفقیت تعاونی ها در اغلب جوامع بستگی به موفقیت آنها در برقراری پیوندهای مستحکم با اجتماع محلی و استفاده از سرمایه و منابع اجتماع محلی برای رونق بخشیدن به مشارکت دارد.

مبانی نظری تحقیق

جامعه شناسان زیادی در مورد عوامل مؤثر بر مشارکت افراد در جامعه بحث کرده اند، مانند مارکس، دورکیم، پاتنام، بوردیو، کلمن و..... که در اینجا تعدادی از نظریات آنها در مورد مشارکت بیان می شود.

مارکس و دورکیم عدم مشارکت افراد را در جامعه ناشی از صنعتی شدن جوامع می دانند. مارکس معتقد است با رشد صنعت در جوامع، مالکیت خصوصی ابزار تولید در اختیار کارفرما قرار می گیرد و کار برای کارگر چیزی جز وسیله ای برای معاش نیست. نتیجه چنین وضعی احساس بی قدرتی کارگر را به همراه دارد. این بی قدرتی مانع از آن می شود که افراد خود را در فعالیت ها سهیم بدانند و به مشارکت تشویق شوند (کوزر، ۱۳۷۳: ۸۵). در عوض، دورکیم عدم مشارکت را ناشی از دو نوع آنومی فردی و اجتماعی می داند. وی آنومی را ناشی از صنعتی شدن جوامع می داند. در چنین حالتی در سطح فردی احساس بی هنجاری (آنومی) و در سطح اجتماعی نوعی اختلال و بی هنجاری جمعی وجود دارد. فرد فاقد وسیله ای لازم جهت تنظیم رفتارهای خود و جامعه شده و احساس عدم حمایت و پشتیبانی اجتماعی می کند و در نتیجه خود را از عضویت جامعه خلع می کند و در آن مشارکت نمی کند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۵۸). کلی و برنلینگر (Kelly & Brenlinger, 1996) بر خلاف دورکیم و مارکس، مشارکت افراد در جامعه را ناشی از ویژگی های افراد و جامعه می دانند و معتقدند ویژگی ها جامعه ای که فرد در آن زندگی می کند و

ویژگی‌ها و فرایندهای تصمیم‌گیری در خود افراد است که منجر به تصمیم‌گیری می‌شود. برای بررسی چرایی مشارکت افراد موانع و تسهیل‌کننده‌های مشارکت در کنش جمعی نیز مطالعه شدند. کاستلز نیز مانند مارکس و دورکیم، در بررسی مشارکت افراد به عوامل کلان توجه کرده اما برخلاف آنها معتقد است آنچه باعث مشارکت بیشتر مردم در اجتماع می‌شود ناشی از عصر جهانی شدن و کاربرد فزاینده فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی است. در واقع، جهانی شدن باعث شده است هویت زیر سؤال رود و بدین ترتیب نوع جدیدی از تغییر اجتماعی خلق می‌کند که همان شهروند جهانی است. از طرف دیگر، جهانی شدن باعث کاهش قدرت و مشروعیت دولت‌ها در برخورد با بعضی مسائل شده است. در نتیجه، جوامع مدنی را به دست گرفتن مسئولیت‌های شهروندی جهانی سوق می‌دهد. نتیجه چنین وضعی مشارکت بیشتر شهروندان جهانی را به همراه دارد (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۹۸).

برخلاف نظریه‌پردازانی مانند مارکس، دورکیم، کاستلز و غیره که در بررسی مشارکت اجتماعی به عوامل کلان توجه داشتند، نظریه‌پردازانی مانند پاتنام، اینگلهارت، توکویل، بوردیو، کلمن و..... به عوامل میانی و خرد در مشارکت توجه کردند که در ادامه تعدادی از نظریات آنها بیان شده است.

پاتنام مشارکت افراد در اجتماعشان را ناشی از میزان سرمایه اجتماعی آنها و آن را شامل سه بخش می‌داند: الف) شبکه‌ها: یعنی روابط اجتماعی و میزان تعامل آنها با همدیگر، ب) همیاری: رابطه تبادلی بین افراد مبنی بر اینکه سودی که اکنون اعطا شده در آینده بازپرداخت شود (ج) اعتماد: حاصل پیش‌بینی‌پذیری رفتارهای دیگران است. وی معتقد است این شاخص‌ها باعث گسترش شبکه‌های اجتماعی و منجر به مشارکت مدنی می‌شوند (توسلی، ۱۳۸۴: ۱۵).

توکویل نیز به بررسی دلایل مشارکت اجتماعی می‌پردازد و مانند پاتنام معتقد است سرمایه اجتماعی و مشارکت تأثیر متقابل دارند. مشارکت عمومی فرد را از انزوا خارج ساخته و به سوی منافع همگانی می‌کشاند و این موجب ارتقای سرمایه اجتماعی می‌شود. از طرف دیگر سرمایه اجتماعی مشارکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. کلمن نیز معتقد است سرمایه اجتماعی منجر به تسهیل

روابط اجتماعی می شود و دستیابی به اهداف را آسان تر و مشارکت اجتماعی افراد را در ساخت اجتماعی میسر می کند (خوش فر، ۱۳۸۷: ۲۶۲).

بورديو نیز مانند کلمن و پاتنام، سرمایه اجتماعی را بر مشارکت مؤثر می داند. سرمایه اجتماعی از نظر بورديو، جمع منابع بالقوه یا واقعی است که حاصل شبکه های بادوام از روابط کمابیش نهادینه شده آشنایی، شناخت متقابل یا عضویت در گروه است؛ شبکه ای که هریک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه اجتماعی برخوردار و آنان را مستحق اعتبار می کند. این روابط فقط ممکن است در حالت عملی در مبادلات مادی یا نمادینی که آنان را در حفظ آن روابط کمک می کند وجود داشته باشد (Bourdieu, 1986: 249). از نظر بورديو، عضویت در شبکه های اجتماعی مختلف مانند عضویت در انجمن های داوطلبانه، اتحادیه های تجاری، احزاب سیاسی اجتماعی و انجمن ها به عنوان عضویت در جامعه تلقی می شود و بیانگر حجم شبکه های ارتباطی افراد و میزان سرمایه اجتماعی می باشد. همچنین میزان شرکت و رابطه افراد با شبکه های عضو شده نشان دهنده میزان فعالیت افراد در انواع انجمن ها می باشد (سیسائتین، ۱۳۸۴: ۳).

در سرمایه اجتماعی، افراد و اجتماعات در قالب ارزش ها، هنجارها و پیوندهای اجتماعی که در جریان تعاملات اجتماعی به وجود می آید، قابلیت های خود را افزایش می دهند و در عین به دست آوردن امکان کنترل زندگی خود، از حمایت های محیطی و اجتماعی که در شبکه های ارتباطی آنها به وجود آمده برخوردار می شوند. سرمایه اجتماعی ما را قادر می سازد ارزش ایجاد کنیم، کارها را انجام دهیم، به اهدافمان دست یابیم، مأموریت هایمان را در زندگی به اتمام رسانیم و به سهم خویش به دنیایی یاری رسانیم که در آن زندگی می کنیم.

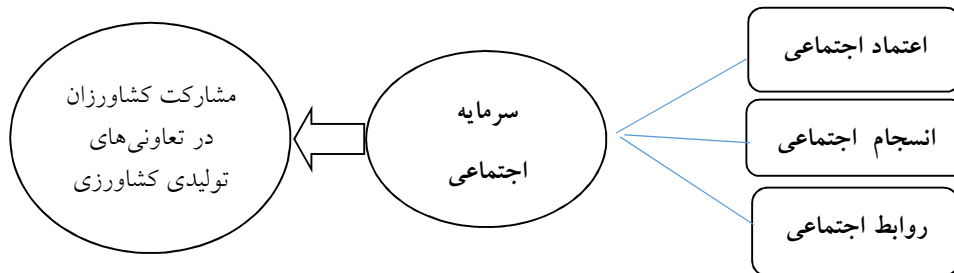
با عنایت به مطالب مطرح شده، فرضیات و مدل مفهومی تحقیق به شرح زیر تدوین می گردد:

۱. بین میزان سرمایه اجتماعی و میزان مشارکت کشاورزان در تعاونی های تولیدی کشاورزی رابطه معناداری وجود دارد (فرضیه اصلی).

۲. بین میزان اعتماد و میزان مشارکت کشاورزان در تعاونی های تولیدی کشاورزی رابطه معناداری وجود دارد (فرضیه اول).

۳. بین میزان انسجام اجتماعی و میزان مشارکت کشاورزان در تعاونی های تولیدی کشاورزی رابطه معناداری وجود دارد (فرضیه دوم).

۴. بین میزان روابط اجتماعی و میزان مشارکت کشاورزان در تعاونی های تولیدی کشاورزی رابطه معناداری وجود دارد (فرضیه سوم).



روش تحقیق

تحقیق حاضر از حیث روش، پیمایشی و از نوع همبستگی و از نظر هدف، کاربردی بوده است. جامعه آماری را ۷۰۰۰ نفر از کشاورزان بخش چهاردانگه ساری تشکیل دادند. براساس جدول نمونه گیری استاندارد کرجسی و مورگان، ۳۶۴ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای دسترسی به نمونه در این تحقیق، از روش نمونه گیری سیستماتیک استفاده شد. ابزار گردآوری داده‌ها، دو پرسش‌نامه سرمایه اجتماعی و پرسش‌نامه مشارکت اجتماعی بوده است. روایی پرسش‌نامه‌ها با کسب نظر از کارشناسان و پایایی آن با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای پرسش‌نامه سرمایه اجتماعی برابر با ۰/۸۴ و برای پرسش‌نامه مشارکت اجتماعی معادل ۰/۸۱ به دست آمد و تأیید شد. به منظور آزمون فرضیات تحقیق از آزمون‌های پیرسون و رگرسیون چند متغیره استفاده گردید.

نتایج و بحث

بعد از جمع آوری داده‌ها، امتیاز هر فرد در هرکدام از متغیرهای مستقل و وابسته به دست آمد، لذا برای سنجش ضریب همبستگی از آزمون پیرسون، که مناسب داده های فاصله ای است،

استفاده شد. همچنین برای آنکه بتوان تأثیر هم‌زمان سه بعد سرمایه اجتماعی را بر روی متغیر وابسته مشارکت اجتماعی سنجید، از رگرسیون چندمتغیره استفاده شد که مناسب اهداف و داده‌های فاصله‌ای می‌باشد. در واقع، از طریق آزمون رگرسیون چندمتغیره می‌توان تغییرات متغیر وابسته را از طریق متغیرهای مستقل پیش‌بینی کرد.

نتایج حاصل از آزمون پیرسون برای فرضیه اصلی (بین میزان سرمایه اجتماعی و میزان مشارکت کشاورزان در تعاونی‌های تولیدی کشاورزی رابطه معناداری وجود دارد) در جدول ۱ نشان می‌دهد میان دو متغیر سرمایه اجتماعی و میزان مشارکت رابطه معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد آماری وجود دارد به نحوی که با افزایش سرمایه اجتماعی، میزان مشارکت کشاورزان بیشتر می‌شود و بالعکس. بنابراین، فرضیه H_0 مبنی بر "عدم وجود رابطه" رد و فرضیه H_1 مبنی بر "وجود رابطه" تأیید می‌گردد.

نتایج حاصل از آزمون پیرسون برای فرضیه اول (بین میزان اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت کشاورزان در تعاونی‌های تولیدی کشاورزی رابطه معناداری وجود دارد) در جدول ۱ نشان می‌دهد میان دو متغیر اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت کشاورزان در تعاونی‌های کشاورزی در سطح اطمینان ۹۹ درصد آماری رابطه معنی‌داری وجود دارد به نحوی که با افزایش اعتماد اجتماعی، میزان مشارکت کشاورزان بیشتر می‌شود. بنابراین، فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 تأیید می‌گردد.

نتایج حاصل از آزمون پیرسون برای فرضیه دوم (بین میزان انسجام اجتماعی و میزان مشارکت کشاورزان در تعاونی‌های تولیدی کشاورزی رابطه معناداری وجود دارد) در جدول ۱ نشان می‌دهد میان دو متغیر انسجام اجتماعی و میزان مشارکت کشاورزان در تعاونی‌های کشاورزی در سطح اطمینان ۹۹ درصد آماری رابطه معنی‌داری وجود دارد به نحوی که با افزایش انسجام اجتماعی، میزان مشارکت کشاورزان بیشتر می‌شود و بالعکس. بنابراین، فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 تأیید می‌گردد.

نتایج حاصل از آزمون پیرسون برای فرضیه سوم (بین میزان روابط اجتماعی و میزان مشارکت کشاورزان در تعاونی‌های تولیدی کشاورزی رابطه معناداری وجود دارد) در جدول ۱ نشان می‌دهد میان دو متغیر روابط اجتماعی و میزان مشارکت کشاورزان در تعاونی‌های کشاورزی

در سطح اطمینان ۹۹ درصد آماری رابطه معنی‌داری وجود دارد به نحوی که با افزایش روابط اجتماعی، میزان مشارکت کشاورزان بیشتر می‌شود و بالعکس و بنابراین، فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 تأیید می‌گردد.

جدول ۱. نتایج حاصل از آزمون پیرسون برای فرضیه‌های تحقیق

فرضیه	ضریب	معناداری (sig)
اصلی	۰/۴۷۵	۰/۰۰۰
اول	۰/۳۷۱	۰/۰۰۰
دوم	۰/۲۳۲	۰/۰۰۰
سوم	۰/۳۸۱	۰/۰۰۰

تحلیل چندمتغیره مشارکت اجتماعی کشاورزان در تعاونی‌های روستایی و سایر متغیرها

برای آنکه بتوان تأثیر هم‌زمان چند متغیر مستقل را بر روی متغیر وابسته مشارکت کشاورزان در تعاونی‌های تولیدی سنجید و چون داده‌ها در سطح فاصله‌ای می‌باشد، از رگرسیون چندمتغیره استفاده شد که مناسب اهداف و داده‌های فاصله‌ای می‌باشد. در واقع از طریق آزمون رگرسیون چندمتغیره می‌توان تغییرات متغیر وابسته را از طریق متغیرهای مستقل پیش بینی کرد.

آزمون رگرسیون چندمتغیره مشارکت کشاورزان در تعاونی‌های تولیدی نشان می‌دهد که تأثیر متغیرهای اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و روابط اجتماعی در سطح ۹۹ درصد اطمینان بر روی مشارکت کشاورزان در تعاونی‌های تولیدی معنادار می‌باشد. اما قضاوت در مورد سهم و نقش هریک از متغیرهای اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و روابط اجتماعی در تبیین متغیر وابسته را باید به مقادیر بتا واگذار کرد؛ زیرا این مقادیر استاندارد می‌شود و امکان مقایسه و تعیین سهم نسبی هر یک از متغیرها را فراهم می‌سازد.

بر اساس ضریب بتای به دست آمده برای اعتماد اجتماعی، به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار اعتماد اجتماعی ۰/۴۹۲ واحد تغییر در متغیر وابسته یعنی مشارکت کشاورزان در تعاونی‌های تولیدی ایجاد می‌شود. یک واحد تغییر در انحراف معیار روابط اجتماعی ۰/۳۵۲ واحد

تغییر در متغیر وابسته ایجاد می کند. به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار انسجام اجتماعی ۰/۲۱۷ واحد تغییر در متغیر وابسته ایجاد می شود. همچنین مقدار R^2 نشان می دهد ۶۳ درصد تغییرات متغیر وابسته مشارکت کشاورزان در تعاونی های تولیدی ناشی از سه متغیر متغیرهای اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و روابط اجتماعی می باشد و ۳۷ درصد تغییرات متغیر وابسته مشارکت کشاورزان در تعاونی های تولیدی ناشی از عواملی است که برای این تحقیق ناشناخته است (جدول ۲).

جدول ۲. تحلیل رگرسیون چند متغیره شاخص سرمایه اجتماعی

متغیر	مقدار ضریب Beta	سطح معناداری	R	R^2
اعتماد اجتماعی	۰/۴۹۲	۰/۰۰۰		
روابط اجتماعی	۰/۳۵۲	۰/۰۰۰	۰/۷۹۴	۰/۶۳۰
انسجام اجتماعی	۰/۲۱۷	۰/۰۰۱		

نتیجه گیری و پیشنهادها

با توجه به اهمیت حضور کشاورزان در عرصه های اجتماعی و تولیدی، در تحقیق حاضر مشارکت کشاورزان بررسی شد. تعاونی های کشاورزی، به عنوان یکی از عرصه های مشارکت جدید در کشورهای در حال توسعه، رو به رشد و گسترش می باشند. این سازمان ها سعی دارند تا با جلب مشارکت مردمی، حضور مؤثری در اجتماع و اقتصاد داشته باشند و بتوانند تأثیر خود در روند رشد و توسعه را به اثبات برسانند. با توجه به این مسئله، تعاونی های روستایی در این پژوهش به عنوان عرصه مشارکت کشاورزان در نظر گرفته شدند.

نتایج نشان داد که هنوز مقوله مشارکت به درستی در بین کشاورزان جامعه جایگاه خود را پیدا نکرده و فواید آن به درستی از سوی کشاورزان مورد توجه قرار نگرفته است. از سوی دیگر، حضور کمتر کشاورزان در عرصه های اجتماعی می تواند از دلایل دیگر پایین بودن میزان مشارکت آنان باشد؛ چرا که هنوز کشاورزان فرصت های برابری نسبت به سایر مشاغل برای حضور در اجتماع ندارند.

برپایه نتایج، سرمایه اجتماعی بر میزان مشارکت کشاورزان در تعاونی های روستایی تأثیر دارد که منطبق با نتایج تحقیقات بکر (۲۰۰۳) و طلایی (۱۳۹۱) و نظریه کلمن است. در واقع، اثبات

این فرضیه مهر تأییدی بر نظریه پاتنام در زمینه سرمایه اجتماعی و نقش آن در مشارکت کشاورزان در تعاونی‌های تولیدی است. پاتنام معتقد است که سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع می‌شود و در نهایت، منافع متقابل آنها را تأمین خواهد کرد که این منفعت در جهت تأمین اجتماعی نیز می‌تواند افزایش یابد. همچنین پاتنام معتقد است یکی از ویژگی‌های مهم سرمایه اجتماعی، تقویت پیوند ارتباطی میان افراد است و این پیوندها موجب ارتقای همکاری و همبستگی میان اعضای جامعه می‌شود و همکاری جمعی، اعتماد اجتماعی و قابلیت مدنی آنها را نیز افزایش می‌دهد. نتیجه این وضعیت فائق آمدن برگسیختگی اجتماعی است. لذا از نظر پاتنام، افرادی که از سرمایه اجتماعی در جامعه برخوردارند می‌توانند مشارکت بیشتری نسبت به دیگران یعنی کشاورزان در تعاونی‌های تولیدی داشته باشند.

با توجه به تأثیر مثبت و تعیین کننده عوامل اجتماعی و به ویژه مؤلفه‌های سرمایه در مشارکت در تعاونی‌های کشاورزی می‌توان اذعان داشت که آن دسته از نظریه‌های مشارکت که بر نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت تأکید می‌کنند، در تبیین یافته‌های تحقیق حاضر کاربرد خواهند داشت. مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، یعنی روابط اجتماعی و اعتماد، در تشکیل گروه‌های انسانی و ایجاد و تداوم تعامل اجتماعی نقش اساسی دارند و به طور سنتی، کشاورزی نیازمند وجود چنین تعاملات و روابطی است.

همان‌طور که گفته شد، طبق نظریه کلمن، در این پژوهش سرمایه اجتماعی متشکل از روابط اجتماعی، اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی می‌باشد. زمانی که افراد از حوزه فردی خود خارج شده و وارد اجتماع بزرگ‌تری می‌شوند، روابط بیشتری را با سایر افراد برقرار می‌سازند. این روابط زمانی قوت بیشتری خواهند گرفت که بین ایجادکنندگان آن اعتماد وجود داشته باشد. این اعتماد سبب می‌شود که افراد رابطه نزدیک‌تری با یکدیگر برقرار سازند. از سوی دیگر، ایجاد روابط و برقراری اعتماد به هنجارهایی بستگی دارد که میان افراد به وجود می‌آید. این هنجارها سبب می‌شود تا افراد بتوانند به پیش بینی رفتار متقابل دست بزنند. افراد برای برقراری روابط بیشتر با دیگران باید

در جمع حاضر شوند و با دیگران کنش متقابل داشته باشند. لذا این امر نیازمند مشارکت آنان در عرصه های اجتماع می باشد. بنابراین، افزایش سرمایه اجتماعی زمینه ساز مشارکت بیشتر افراد از جمله کشاورزان خواهد بود.

هرچه تعاونی های روستایی امکاناتی را فراهم کنند فرد در موقعیت بهتری قرار گیرد و از پیرامون خود شناخت بیشتری پیدا کند و از فرصت های موجود در جامعه آگاه شود، این شناخت و آگاهی به فرد کمک می کند تا حضور بیشتری در اجتماع داشته باشد و به این ترتیب در موقعیت های مختلف، از جمله تعاونی های روستایی، فعالیت بیشتری داشته باشد. این سرمایه خودبه خود به سرمایه های اقتصادی تبدیل می شود و بالا رفتن پایگاه فرد در جامعه را فراهم می سازد. افزایش پایگاه اجتماعی با فراهم آوردن امکانات مالی بیشتر برای فرد امکان بیشتری را برای فعالیت های داوطلبانه (که در آن دستمزدی دریافت نمی شود) به وجود می آورد. به این ترتیب، هرچه سرمایه اجتماعی افراد بیشتر باشد، میزان مشارکت آنها نیز بیشتر خواهد بود.

نتایج حاصل از تحلیل چندمتغیره مشارکت اجتماعی نشان داد اعتماد اجتماعی بیشترین تأثیر را در مشارکت کشاورزان در تعاونی های روستایی دارد، لذا لازم است اعتماد اجتماعی کشاورزان بالاتر رفته و موانع این عدم اعتماد شناسایی شود. چنین کاری به صورت خود به خود، موفقیت تعاونی های و اجرای برنامه های کاربردی آنها را تضمین می کند و این می تواند فرصت بسیار خوبی برای حاکمان باشد تا بخشی از وظایف خود را به این گروه ها محول نمایند و به برنامه ریزی کلان در جامعه بپردازند و از این طریق از فرصت های به دست آمده در جهت پیشرفت هر بیشتر جامعه سود بجویند. بدین ترتیب، به فعالیت کشاورزان در جامعه کمک می شود تا از این طریق شهروندانی وظیفه شناس و مسئول برای جامعه تربیت شود و روند روبه پیشرفت کشور تسریع گردد و از طرف دیگر، به نشاط بیشتر کشاورزان کمک شود. همچنین با گسترش فضای مجازی در جامعه - که بیشتر استفاده کنندگان آن افراد تحصیل کرده هستند- می توان به گسترش فرهنگ عمومی جامعه کمک کرد و از این طریق شهروندانی آگاه، وظیفه شناس و فعال در جامعه تربیت کرد.

مشارکت بیشتر کشاورزان در جامعه موجب بالندگی و تسهیل توسعه کشور و تقویت هویت ملی می‌شود و از خودبیگانگی و جدایی کشاورزان از جامعه جلوگیری می‌کند و بدین ترتیب فرد خود را جزئی از جامعه دانسته و در جهت توسعه آن جامعه می‌کوشد و نهایتاً برای بهبود شاخص‌های توسعه ای تلاش بیشتری می‌کند و منابع ملی را در جهت این پیشرفت بسیج می‌نماید. از طرف دیگر، بی‌توجهی دولت و مسئولان جامعه به چنین پتانسیل‌هایی می‌تواند روند روبه رشد جامعه را کند و یا حتی متوقف نماید و منجر به اصطکاک‌های بیشتری در جامعه شود. این حالت نه تنها از چنین پتانسیل‌های استفاده نمی‌کند بلکه می‌تواند به عامل ضد توسعه تبدیل گردد و توان و انرژی مسئولان به جای آنکه صرف توسعه بیشتر کشور شود، صرف برطرف کردن نارسایی‌های ناشی از این موارد گردد.

باتوجه به نتایج تحقیق حاضر، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

با عنایت به اینکه بین مشارکت اجتماعی و مشارکت کشاورزان در تعاونی‌های تولیدی کشاورزی رابطه معنادار وجود دارد، به مدیران، مسئولان و برنامه‌ریزان حوزه روستایی پیشنهاد می‌شود با استفاده از ظرفیت و سازوکارهای مربوط به سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن، زمینه و بستری فراهم نمایند که کشاورزان در حل معضلات موجود در سطح روستا مشارکت بیشتری داشته باشند، به یکدیگر در جهت امور کشاورزی کمک کنند و در کارهای جمعی و گروهی در سطح روستا مشارکت و هرچه بیشتر در انجمن‌ها و NGO ها شرکت کنند. از سویی، برپایی مراسم مذهبی و جشن و سرور موجب افزایش مشارکت اجتماعی در بین کشاورزان خواهد شد.

با توجه به اینکه بین اعتماد اجتماعی و مشارکت کشاورزان در تعاونی‌های تولیدی کشاورزی رابطه معنادار وجود دارد، به مدیران، مسئولان و برنامه‌ریزان حوزه روستایی پیشنهاد می‌شود با استفاده از ظرفیت و سازوکارهای مربوط به سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن، زمینه و بستری فراهم نمایند که کشاورزان شناخت بیشتری نسبت به همدیگر پیدا کنند و رابطه و تعامل خوب و حسنه‌ای با یکدیگر و با اقوام و بستگان داشته باشند و در تصمیم‌گیری‌های جمعی اقوام و دوستان شرکت کنند و به مدیران و مسئولان اعتماد داشته باشند. کشاورزان هرچه بیشتر به همدیگر اعتماد داشته

باشند و مسئولان دولتی در ارائه خدمات به کشاورزان عدالت و انصاف را رعایت کنند و به جای رسیدگی به امور افراد مرفه روستا به مسائل و مشکلات همه اقشار توجه داشته باشند، موجب افزایش اعتماد اجتماعی و به تبع آن افزایش مشارکت اجتماعی کشاورزان در تعاونی‌های تولیدی خواهند شد.

با عنایت به اینکه بین انسجام اجتماعی و مشارکت کشاورزان در تعاونی‌های تولیدی کشاورزی رابطه معنادار وجود دارد، بنابراین، به مدیران، مسئولان و برنامه‌ریزان حوزه روستایی پیشنهاد می‌شود با استفاده از ظرفیت و سازوکارهای مربوط به سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن زمینه و بستری فراهم نمایند که کشاورزان به نظرات همدیگر اهمیت دهند و به قول و قرارهایی که با همدیگر می‌گذارند پایبند باشند و در مواقع مشکلات و سختی‌ها، تحمل دیگران را داشته باشند و به جای افزایش تنش و مشکلات به فکر دستگیری و یاری رساندن و کمک در جهت حل مشکلات باشند.

با توجه به اینکه بین روابط اجتماعی و مشارکت کشاورزان در تعاونی‌های تولیدی کشاورزی رابطه معنادار وجود دارد، بنابراین، به مدیران، مسئولان و برنامه‌ریزان حوزه روستایی پیشنهاد می‌شود با استفاده از ظرفیت و سازوکارهای مربوط به سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن، زمینه و بستری فراهم نمایند که کشاورزان با دیگران در جمع ارتباط برقرار کنند. همچنین مناسبات و رفت و آمد خانوادگی بیشتری با یکدیگر داشته باشند، با همسایگان در سطح محله روابط و برخورد دوستانه داشته باشند و بتوانند با محیط فیزیکی محل سکونت خود ارتباط برقرار کنند. همچنین با یکدیگر به مکان‌های تفریحی بروند و با دیگران در سطح روستا برخورد دوستانه داشته باشند که این امر موجب افزایش مشارکت اجتماعی کشاورزان در تعاونی‌های تولیدی خواهد شد.

بنابراین، در نهایت، این تحقیق نشان داد که سرمایه اجتماعی می‌تواند در افزایش مشارکت اجتماعی کشاورزان در تعاونی‌های تولیدی مؤثر واقع شود و به برنامه‌ریزان فرهنگی و اجتماعی و سایر نهادهای مربوطه کمک کند با برنامه ریزی دقیق و سنجیده و با تقویت شاخص‌های عمده سرمایه اجتماعی مانند اعتماد، انسجام، روابط و مشارکت اجتماعی در ارتقای مشارکت اجتماعی کشاورزان در تعاونی‌های تولیدی گام بردارند.

هرچه اعتماد اجتماعی در بین کشاورزان بیشتر باشد، مشارکت اجتماعی نیز ارتقا خواهد یافت. بنابراین، تقویت فرهنگ اعتماد، که ریشه در منابع فردی و ساختاری (جامعه‌ای) دارد، در افزایش مشارکت اجتماعی مؤثر است. در این زمینه، جهت بسترسازی برای اعتماد و به تبع آن افزایش مشارکت اجتماعی در تعاونی‌های تولیدی، معماران فرهنگی و برنامه ریزان اجتماعی با تقویت پایه‌های اعتماد بنیادین در بین کشاورزان می‌توانند اعتماد عام را در بین مردم و نهادهای دولتی افزایش دهند و از این طریق مشارکت اجتماعی کشاورزان در تعاونی‌های تولیدی را نیز تقویت کنند.

منابع

- انصاری، ح. (۱۳۸۱). پژوهشی در تعاونی‌های روستایی ایران: مطالعه موردی شرکت تعاونی روستایی شباهنگ شهریار. مؤسسه تحقیقات تعاونی. قم: انتشارات ام ابیها.
- بزرگ نیا، ا. (۱۳۸۹). نقش سرمایه اجتماعی در توسعه. بازیابی شده از سایت آفتاب.
- بیرو، آ. (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: نشر کیهان.
- توسلی، غ. (۱۳۸۴). مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید. نامه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، شماره ۲۶.
- خوش فر، غ. (۱۳۸۷). تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی. پایان نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- رحمانی فیروزجاه، ع. و سهرابی، س. (۱۳۹۰). نقش تعاونی در تشکیل و تقویت سرمایه اجتماعی. مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی ظرفیت‌های بخش تعاون در توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی. وزارت تعاون.
- ساریخانی، ن. و طه، م. (۱۳۸۲). میزان مشارکت زنان در شرکتهای تعاونی روستایی و شناخت عوامل مؤثر بر آن (قسمت اول). نشریه اقتصاد تعاون، ۵(۱۴۳)، ۴۷-۵۴.
- سرایبی، ح. (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق (چاپ چهارم). تهران: نشر سمت.

سیسیانین، م. (۱۳۸۴). تمایزها و اشتراکات بورديو و پنتاج. *روزنامه همشهری*، ۸ خرداد. شجاعی، ز. (۱۳۸۰). مجموعه مقالات کارگاه آموزش توسعه مشارکت زنان، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

طلایی، آ. (۱۳۹۱). نقش ترویج و آموزش کشاورزی در مسیر شکوفایی و تکامل تعاونی‌ها. کنفرانس تعاون، اشتغال و توسعه. دانشگاه یزد

غفاری، غ. و نیازی، م. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی مشارکت*. تهران: نشر نزدیک.

غیاثوندغیائی، ف. (۱۳۹۰). *تحلیل موانع و محدودیتهای توسعه اشتغال در تعاونهای تولیدی*

کشاورزی/ایران. کنفرانس تعاون، اشتغال و توسعه. دانشگاه یزد

قانع‌ی راد، م. (۱۳۸۴). شبکه، روابط و مشارکت در سازمان‌های غیردولتی. *مجله جامعه‌شناسی ایران*. دوره ۶، شماره ۶.

کاستلز، م. (۱۳۸۰). *عصراطلاعات اقتصاد جامعه و فرهنگ، قدرت - هویت*. ترجمه حسن چاوشیان. جلد دوم. تهران: انتشارات طرح نو.

کوزر، ل. (۱۳۷۳). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر علمی.

محسنی تبریزی، ع. (۱۳۷۰). مفهوم سازی و گروه‌بندی تئوری‌ها در حوزه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی. *نامه علوم اجتماعی (دانشگاه تهران)*، جلد دوم، شماره ۲.

محسنی تبریزی، ع. (۱۳۷۵). بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی. *نامه پژوهش*، سال اول، شماره یک.

Axelrod, M. (1950). Urban structure and participation. *American Sociological Review*, 21(1),13-18.

Bekker, R. (2003). *Participation in voluntary association resources personality or both*. Retrieved from www.fss.un.nl/soc/homes/bekker 2003

- Bourdieu, P. (1986). Forms of capital. In J. C. Richards (Ed.). Handbook of theory and research for the sociology of education (pp. 241–258). New York: Greenwood Press.
- Bouse, J., & Wellman, B. (2005). Personal relationships: on and off the internet. In Anita Vangelisti and Dan Perlman (eds). Cambridge Handbook of personal relationships. Cambridge: Cambridge University Press. P.P.709-723
- Carlo, R., Weatherspoon, D., Peterson, C., & Sabbatinia, M. (2000). Effects of manager's power on capital structure: a study of Italian agricultural cooperatives. *International Food and Agribusiness Management Review*, 3, 27–39.
- John, L., Adrian J., & Green T.W. (2001). Agricultural cooperative managers and the business environment. *Journal of Agribusiness*, 19(1), 17-33.
- Kelly, C., & Brenlinger, S. (1996). *The social psychology of collective*. London: Taylor and Francis.
- Krause, D., & Handfield, R. (2006). The relationships between supplier development, Commitment, social capital, accumulation and performance improvement. *Journal of Operations Management*, 16(5), 405-415.
- Putnam, R.D. (1995). Bowling alone: Americas declining social capital. *Journal of Democracy*, 6(1), 65-78.
- Price, B. (2002). Social capital and factors affecting civic engagement as reported by leaders of voluntary associations. *The Social Science Journal*, Vol.39, Issue1.

Scrimgeour, F., McDermott, A., Saunders, C., Shadbolt, N., & Sheath, G. (2006).
*New Zealand gribusiness Success: an approach to exploring the role of
strategy, structure and conduct on firm performance*. Paper resented at to
New Zealand Agricultural and Resource Economics Society, August 2006
Conference 25-27.

An Investigation of the Role of Social Capital in Farmer's Participation in Agricultural Production Cooperatives

A. Gorjikersami^{1}, A. Babaeikarnami²*

Received: Jun 09, 2017 Accepted: Dec 03, 2017

Abstract

The purpose of this study was to investigate the role of social capital in farmers' participation in agricultural production cooperatives. The data collection method was survey. The population included 7,000 farmers in the form Surrey Chahardangeh based on the sample of 364 subjects were selected Morgan standard. To access the sample used in the study of systematic sampling. The data collection tool was a questionnaire. Cronbach alpha reliability of the questionnaire of social capital was equal to 0.84 and 0.81 for social participation questionnaire. The results showed that between social capital and its dimensions (social trust, social cohesion, and social relations) and the participation of farmers in production cooperatives there was a significant relationship. Social trust had the greatest impact on participation of farmers in cooperatives

Keywords: Social Capital, Social Trust, Social Cohesion, Social Relations and Participation of Farmers

1. Sari Municipality Studies and Research Specialist

*Corresponding Author

E-mail: dali_gorji@yahoo.com

2. PhD Student, Department of Financial Management, Islamic Azad University, Babol Branch, Babol, Iran